

اکو در محاق سیاست

محمد هدایت



سازمان های بین المللی و منطقه ای دیده نمی شود. به عنوان مثال اگر فرض کنیم که سازمان اکو وجود نمی داشت، چه سرنوشتی بر کشورهای عضو حاکم می شد. در پاسخ می توان گفت که هیچ تغییر در سرنوشت کشورهای و رابطه آن ها با دیگر سازمان های بین المللی ایجاد نمی شد. این ناکار آمدی به طور آشکار قابل درک است.

توسعه ارتباطات زیربنایی میان کشورهای عضو دیگر نقاط جهان در بخش ارتباطات زیربنایی و ترانسپورتی میان کشورهای نیز وضع به همان صورت سابق است. ممکن است ارتباطات میان کشورهای بهبود یافته باشد ولی این بهبودی نه در سایه اکو و در راستای اهداف اقتصادی آن بلکه از روی ضرورت و اقتضات جدید منطقه ای و ژئوپلیتیکی بوده است. علاوه بر آن اساسا در بسیاری از موارد رشد نیز نکرده است. به خاطر این که هنوز کشورهای عضو از طریق خطوط ترانسپورتی مهم مثل خط ریل برخوردار نیستند. رشد بازار آزاد و خصوصی سازی در این مورد بسیار جالب است که هر سه کشور موسسان اصلی هم چنان از عدم رشد بازار آزاد و عدم تحرک در بخش خصوصی رنج می برند. شاهرگ های اقتصاد در هر سه کشور در دست دولت ها هستند و بخش خصوصی هم چنان تحت سیطره دولت های متبوع هستند. در هر سه کشور ایران، ترکیه و پاکستان از رشد نابرابر اقتصاد دولتی و اقتصاد غیر دولتی برخوردار هستند و دولت ها در این کشورها تصدی گری اصلی را در بخش اقتصاد به عهده دارند.

رشد چندی نداشته اند بلکه در موارد بسیاری حتی به عقب نیز برگشته اند. نابرابری که در میان کشورهای عضو حاکم است و فقر شدید برخی از اعضا نشانه ها واضع بر عدم رشد اقتصادی است. آن تعداد از کشورهای عضو اکو که تا حدودی به توسعه اقتصادی دست یافته اند، نیز از عدم پایداری و فقدان ثبات اقتصادی رنج می برند. حذف تدریجی موانع تجاری ارتباط منسجم و ارگانیک میان اقتصاد کشورهای منطقه و حذف تدریجی موانع تجاری یکی دیگر از اهداف سازمان اکو بوده است که متأسفانه امروزه نه تنها موانع تجاری میان کشورهای عضو حذف نگردیده است بلکه بیشتر نیز شده است. موانع تجاری میان کشورهای عضو هر روزه بیشتر می شود و اکنون به گونه ای است که هیچ رابطه اقتصادی در چارچوب تسهیلات سازمان اکو تعریف نمی شود. اگر ارتباطاتی هست به صورت خودانگیخته و از روی اضطرار است و البته در سایه قواعد بازرگانی جهانی. نه در قالب ساختارهایی که در اکو تعریف شده است.

اهداف اقتصادی اکو که در آغاز حداقل در ظاهر با اهداف اقتصادی ایجاد شده بود، اما در پی تحولات سیاسی منطقه نه تنها به اهداف اقتصادی دست نیافت بلکه به تدریج به یکی از سازمان های منطقه ای غیر موثر تبدیل شد. اهداف اولیه اکو از سوی موسسان آن موارد زیر اعلام شده بود: «توسعه اقتصادی پایدار کشورهای عضو، «حذف تدریجی موانع تجاری و پیشبرد تجارت بین منطقه ای»، «قش بزرگتر منطقه اکو در رشد تجارت جهانی»، «همگرایی تدریجی اقتصاد کشورهای عضو با اقتصاد جهانی»، «توسعه ترانسپورتی و پیوند زیربنایی ارتباطی کشورهای عضو با یکدیگر و جهان خارج»، «آزاد سازی اقتصادی و خصوصی سازی»، «سیج و بهره برداری از منابع مادی منطقه اکو»، «استفاده موثر از بتانسلیل های کشاورزی و صنعتی منطقه اکو»، «همکاری منطقه ای جهت کنترل مواد مخدر و حمایت اکولوژیکی و زیست محیطی و تقویت پیوندهای تاریخی فرهنگی میان مردم منطقه»، «همکاری سودمند متقابل با سازمانهای منطقه ای و بین المللی».

نیاز بشر به رشد و توسعه در زمینه های اقتصادی و اجتماعی موجب توجه خاص جوامع و به خصوص سازمانها به نوآوری شده است. اقتصاد دانان و دانشمندان علت پایین بودن رشد اقتصادی سازمانها را عمدتا در ضعف نوآوری می دانند نه کمبود سرمایه و منابع مالی. با وجود اینکه نوآوری یکی از ارکان مهم برای ادامه حیات سازمان ها است ، اکثر سازمانها به خصوص سازمانهای موجود در کشورهای در حال توسعه در اجرای آن دچار مشکلات عدیده ای هستند. موانع و چالشهای موجود در گسترش نوآوری را می توان به دو بخش عمده تقسیم نمود :

واقعیت این است که رشد اقتصاد جهانی در سایه پدیده جهانی شدن به قدری گسترده و سریع است که سازمان اکو در رشد آن اگر تأثیری هم نداشته باشد، اصلا به چشم نمی آید. سازمان های بزرگ بین المللی به خصوص سازمان ها و نهادهای اقتصادی و پولی روی سازمان اکو و تأثیرگذاری آن به کلی محاسبه نمی کنند. این موضوع نشان می دهد که سازمان اکو در رشد اقتصاد جهانی چندان نقشی ندارد.

اما اکنون وقتی وضعیت عینی منطقه اکو و کشورهای عضو را در پر تو اهداف تعیین شده مورد بررسی قرار می دهیم، به خوبی روشن می گردد که سازمان اکو نتوانسته است به حداقل های اهداف اولیه دست یابد. توسعه اقتصادی پایدار کشورهای عضو نخستین هدف اکو توسعه اقتصادی پایدار کشورهای عضو در نظر گرفته شده بود. اکنون که کشورهای عضو از رشد اقتصاد آغازین روزهای تاسیس تا کنون نه تنها

نیاز بشر به رشد و توسعه در زمینه های اقتصادی و اجتماعی موجب توجه خاص جوامع و به خصوص سازمانها به نوآوری شده است. اقتصاد دانان و دانشمندان علت پایین بودن رشد اقتصادی سازمانها را عمدتا در ضعف نوآوری می دانند نه کمبود سرمایه و منابع مالی. با وجود اینکه نوآوری یکی از ارکان مهم برای ادامه حیات سازمان ها است ، اکثر سازمانها به خصوص سازمانهای موجود در کشورهای در حال توسعه در اجرای آن دچار مشکلات عدیده ای هستند. موانع و چالشهای موجود در گسترش نوآوری را می توان به دو بخش عمده تقسیم نمود :

واقعیت این است که رشد اقتصاد جهانی در سایه پدیده جهانی شدن به قدری گسترده و سریع است که سازمان اکو در رشد آن اگر تأثیری هم نداشته باشد، اصلا به چشم نمی آید. سازمان های بزرگ بین المللی به خصوص سازمان ها و نهادهای اقتصادی و پولی روی سازمان اکو و تأثیرگذاری آن به کلی محاسبه نمی کنند. این موضوع نشان می دهد که سازمان اکو در رشد اقتصاد جهانی چندان نقشی ندارد.

اما اکنون وقتی وضعیت عینی منطقه اکو و کشورهای عضو را در پر تو اهداف تعیین شده مورد بررسی قرار می دهیم، به خوبی روشن می گردد که سازمان اکو نتوانسته است به حداقل های اهداف اولیه دست یابد. توسعه اقتصادی پایدار کشورهای عضو نخستین هدف اکو توسعه اقتصادی پایدار کشورهای عضو در نظر گرفته شده بود. اکنون که کشورهای عضو از رشد اقتصاد آغازین روزهای تاسیس تا کنون نه تنها

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده باز گردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سر مقاله یانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

بنیان گذار: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سرمدیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتورست: خالق علی زاده

دو زبان: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷

سرمقاله

حمله بر هم صدایی مردم و نیروهای امنیتی

مهدی مدبر

دیروز یکبار دیگر آرامش و امنیت شهروندان کابل توسط گروه های تروریستی برهم زده شد. حوزه ششم امنیتی پولیس در غرب کابل و یک مرکز امنیت ملی در شرق پایتخت، هدف حملات تروریستی قرار گرفتند.

ایمن حملات بعد از آن صورت می گیرد که در ۹ حوت، روز ملی نیروهای امنیتی، مردم افغانستان در سراسر کشور، حمایت و پشتیبانی شان را بصورت بی سابقه از نیروهای امنیتی اعلان کردند و تلاش و زحمات آنها را در مبارزه با تروریسم جهانی در افغانستان، ستایش کردند.

حمایت مردم از نیروهای امنیتی کشور، به معنی اعلان انزجار و نفرت از گروه های تروریستی و اهداف شوم شان است. علاوه بر آن، حمایت مردم از نیروهای امنیتی، نشان داد که گروه های تروریستی پشت هر نقابی که پنهان شوند، برای مردم افغانستان به عنوان دشمن ثبات و امنیت کشور به شمار می روند و نابودی آنها، یکی از آرزوهای هر شهروند کشور است.

حمله های دیروز در شهر کابل، واکنش گروه طالبان به هم صدایی مردم با نیروهای امنیتی و حمایت آنها از ایمن نیروها بود. این حملات نشان می دهد که گروه های تروریستی از هم بستگی و هم صدایی مردم افغانستان هراس دارند و تلاش می کنند تا با ایجاد رعب و وحشت، هم بستگی مردم افغانستان را خدشه دار بسازند. همچنان آنها تلاش می کنند تا پایگاه اجتماعی نیروهای امنیتی را تضعیف کنند و آنها را ناتوان جلوه دهند.

این اولین بار نیست که گروه های تروریستی با راه اندازی حمله های انتحاری، تلاش می کنند که هم بستگی مردم افغانستان را هدف قرار دهند و تفرقه افگنی بکنند. حمله به زیارت سسخی و مسجد باقرالعلوم نیز برای بوجود آوردن تفرقه مذهبی در افغانستان راه اندازی شده بود.

گروه های تروریستی در تلاش هستند تا با ایجاد تفرقه و تنش در جامعه افغانستان، برای خود پایگاه اجتماعی بسازند، اما افزایش نفرت و انزجار مردمی از عملکرد آنها، باعث می شود که این فرصت از آنها گرفته شود و بیشتر از پیش در انزوا اجتماعی قرار گیرند. مردم افغانستان اکنون به این درک رسیده اند که هم بستگی و هماهنگی یکی از نیازهای اساسی آنها است و بدون هم بستگی و هماهنگی تمام مردم افغانستان، تامین ثبات و امنیت کشور دشوار خواهد بود. جامعه افغانستان تجربه های تلخ تاریخی را پشت سر گذاشته است و این تجربه ها ضرورت هم بستگی ملی را برای همگان روشن ساخته است. مردم افغانستان نباید اجازه بدهند که گروه های تروریستی به اهداف شوم شان دست یابد و تنش های سیاسی و اجتماعی را در افغانستان دامن بزنند و هم بستگی و وحدت مردم افغانستان را، آسیب برسانند.

امنیت و آرامش دغدغه و نگرانی تمام شهروندان افغانستان است، اما تامین امنیت همانگونه که نیازمند استراتژی و اراده قوی از سوی حکومت و ارگان های امنیتی است، نیازمند همکاری و حمایت مردمی نیز است. نقش مردم در تامین امنیت از اهمیت بالایی برخوردار است، در صورتی که آنها با نهادها و نیروهای امنیتی همکاری کنند، مبارزه با تروریسم و گروه های هراس افکن، بصورت موثرتر به پیش خواهد رفت و پایگاهها و مخفی گاههای آنها، به آسانی شناسایی و توسط نیروهای امنیتی ویران خواهد شد.

از سوی دیگر، نهادهای امنیتی کشور نیز باید به نگرانی های امنیتی مردم پاسخگو باشند. مردم افغانستان همانگونه که از نهادها و نیروهای امنیتی حمایت و پشتیبانی می کنند، توقع دارند که آنها در برابر خواسته ها و نگرانی های شان پاسخ های قناعت بخش ارائه کنند و نگرانی های آنها را جدی بگیرند.

در واقع بعد از هر حمله ای انتحاری مردم افغانستان از عدم جلوگیری و خنثی سازی آن از سوی نهادهای امنیتی، انتقاد کرده اند. همچنان بعد از هر حمله ای انتحاری در پایتخت، این سئوال خلق گردیده است که تروریست چگونه از کمربندهای امنیتی شهری عبور می کنند و خود را به مرکز شهر می رسانند و حملات انتحاری شان را انجام می دهند. اما هنوز به این سئوالها پاسخ قناعت بخش، داده نشده است. یافتن پاسخ این سئوالات از سوی نهادهای امنیتی، نیازمند تحقیق و بررسی جدی است و لازم است که نهادهای امنیتی، برای بهبود امنیت پایتخت و کشور، چنین تحقیقی را انجام دهند و برنامه های امنیتی شان را آسیب شناسی کنند.

نوآوری در کشورهای در حال توسعه

زهره عبدالیزدان، علیرضا استکی، داوود کلکی نما

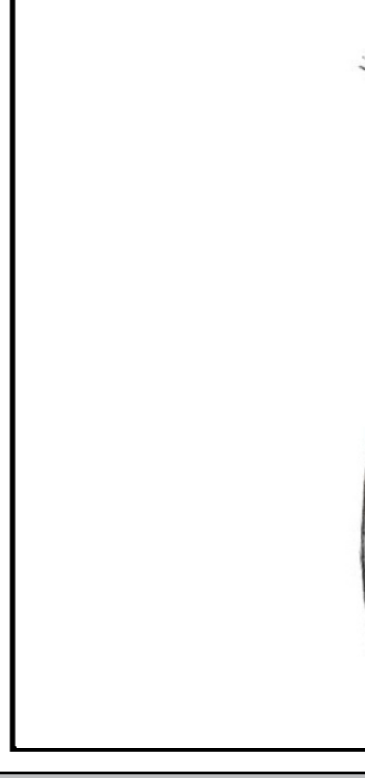


و جریان گسترده اطلاعات، امروزه جامعه ما نیازمند آموزش مهارت هایی است که با کمک آن بتواند همگام با توسعه علم و فناوری به پیش برسد. هدف باید پرورش انسان هایی باشد که بتوانند با مغزی خلاق با مشکلات روبرو شده و به حل آنها بپردازند. به گونه ای که انسان ها بتوانند به خوبی با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و با بهره گیری از دانش جمعی و تولید افکار نو مشکلات را از میان بردارند. امروزه مردم ما نیازمند آموزش خلاقیت هستند که با خلق افکار نو به سوی یک جامعه سعادت مند قدم بردارند. رشد فزاینده اطلاعات، سبب شده است که هر انسانی از تجربه و علم و دانشی برخوردار باشد که دیگری فرصت کسب آنها را نداشته باشد، لذا به جریان انداختن اطلاعات حاوی علم و دانش و تجربه در بین انسان ها یکی از رموز موفقیت در دنیای امروز است. هیچ کس قادر نیست به میزان اطلاعات واقعی هر کس که در گوشه ذهن او نهفته است پی ببرد. این اطلاعات زمانی به حرکت در می آید که انگیزه های قوی سبب رها شدن آن به بیرون ذهن می شود. در این مرحله انسان ها به سرنوشت یکدیگر حساسند و در جهت رشد یکدیگر می کوشند و در نهایت سبب می شود جریان از علم و دانش و تجربیات میان آنها جاری شود که همین امر زمینه ساز نوآوری خواهد بود.

یکی از عوامل مؤثر در بروز خلاقیت در یک جامعه، زمینه سازی و بستر سازی در بین انسان ها جهت ایجاد فرهنگی است که در آن همگان در تلاش برای رشد دادن دیگری هستند و با تأثیر بر روی یکدیگر به پیشرفت جامعه کمک می کنند. یکی از شرایط لازم برای پدیدار شدن افکار نو، وجود آرازمش برای مغز است. به همین خاطر لازم است انسان ها بکوشند در جامعه ششراپی پدید آید که در بستر آن مغز بیندیشد و تکامل یابد و سبب ساز افکار نو شده و شرایط برای سازندگی در جامعه مهیا شود. با افزایش سپرده گذاری های اخلاقی می توان شرایط را برای شکل گیری یک محیط آرازمی بخش در جامعه فراهم کرد. کاهش سپرده گذاری های اخلاقی در جامعه سبب می شود که زمینه برای گسسته شدن روابط اجتماعی گسترش یابد و با سست

چکیده این مقاله به تشریح مفاهیم نوآوری و خلاقیت و تفاوت عمده این دو تعریف می پردازد و سپس موانع و چالشهای موجود در گسترش نوآوری در کشورهای در حال توسعه را مشخص می نماید. مقدمه با پیشرفت روز افزون دانش و تکنولوژی

این مقاله به تشریح مفاهیم نوآوری و خلاقیت و تفاوت عمده این دو تعریف می پردازد و سپس موانع و چالشهای موجود در گسترش نوآوری در کشورهای در حال توسعه را مشخص می نماید. مقدمه با پیشرفت روز افزون دانش و تکنولوژی



کارتون روز بدون شرح

بنیان گذار: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سرمدیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتورست: خالق علی زاده

افغانستان ما

The Daily Afghanistan Ma

Outlook

AFGHANISTAN